

احمد عدالتیان| آغاز ماه ربیع الاول مصادف با شبی تاریخی است که در سال چهاردهم بعثت رخ داد. در آن شب حضرت علی^(ع) از آغاز شب در بستر پیامبر^(ص) خوابید. در نیمه‌های شب حدود چهل نفر از مشرکان، خانه پیامبر^(ص) را محاصره کردند، گمان کردند که پیامبر^(ص) در رختخواب خود خوابیده است. در این بین پیامبر^(ص) از خانه بیرون رفته و خداوند چشمان مشرکان را از دیدن ایشان ناتوان ساخته بود. نزدیک صبح بود که مشرکان به خانه یورش بردند تا پیامبر^(ص) را به قتل برسانند، ولی در رختخواب پیامبر^(ص)، حضرت علی^(ع) را یافتند و این‌گونه بود که جان پیامبر^(ص) حفظ شد.

آیه ۲۷ سوره بقره به این واقعه اشاره دارد که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنَ الْإِنسَانِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ يُبْذِرُ شَأْنَهُ وَ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» کسی است که برای کسب خشنودی خدا، جان خود را می‌فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. «مفسران قرآن کریم این آیه را در ستایش حضرت علی^(ع) می‌دانند و بسیاری از اهل سنت نیز به این فضیلت امیر مؤمنان اشاره کرده‌اند.

نکته مهم آیه این است که گاهی باید برای احیای دین، جان و نفس را تسلیم کرد و خود حضرت علی^(ع) فرموده‌اند: کسی که در راه امر به معروف و نهی از منکر کشته شود، یکی از مصادیق این آیه است.

حکمت

وقتی دانستن، به تنهایی کافی نیست

ویکی‌ا انسان ممکن است اطلاعات زیادی داشته باشد، اما نداند با آن‌ها چه کند. امروز دسترسی به اطلاعات از همیشه آسان‌تر است. یک جست‌وجوی ساده می‌تواند صدها پاسخ پیش روی ما بگذارد. با این حال، در تصمیم‌های مهم زندگی، هنوز ممکن است سردرگم بمانیم. امیرالمؤمنین^(ع) در نامه ۳۱، بعد از سفارش به تقویت دل با یقین، به مرحله دیگری از تربیت می‌رسد: حضرت می‌فرماید: «وَتَوَزَّعْ بِالْحِكْمَةِ» «دلت را با حکمت روشن کن.» امام^(ع) نمی‌گوید فقط بر اطلاعات اضافه کن؛ می‌فرماید دل را با حکمت روشن کن. حکمت یعنی انسان بتواند حقیقت را درست ببیند، میان مهم و غیرمهم تفاوت بگذارد و در موقعیت مناسب، تصمیم درست بگیرد. ممکن است دو نفر یک اتفاق را ببینند، اما یکی فقط ظاهر ماجرا را ببیند و دیگری علت و پیامد آن را هم بفهمد. این همان تفاوت میان «دانستن» و «حکیمانه دیدن» است.

مثال پدر و مادری را تصور کنیم که فرزند نوجوانشان مدتی کم حرف و گوشه‌گیر شده است. یک واکنش می‌تواند سرزنش، بازخواست و مقایسه با دیگران باشد؛ واکنش دیگر این باشد که والدین قبل از قضاوت، علت رفتار او را پیدا کنند.

شاید خسته است، شاید مسئله‌ای دارد یا شاید مدت‌هاست احساس می‌کند کسی حرفش را نمی‌شنود. حکمت یعنی قبل از واکنش، درست دیدن. در فضای مجازی هم همین مسئله وجود دارد. هر خبری را نمی‌توان چون زیاد دیده شده، پذیرفت و هر حرفی را فقط چون زیباست، درست دانست. انسان حکیم یاد می‌گیرد مکث کند، منبع را بررسی کند، پیامد تصمیمش را بسنجد و بعد واکنش نشان دهد.

از نگاه امام علی^(ع)، دل انسان فقط به محبت و ایمان نیاز ندارد؛ باید چراغی هم داشته باشد که راه را نشان دهد. یقین، انسان را محکم می‌کند و حکمت، مسیر را روشن.

شاید بتوان پیام این فراز را این‌گونه خلاصه کرد: همه چیزهایی که می‌دانیم، الزاما به درد زندگی نمی‌خورند؛ مهم این است که بدانیم با دانسته‌هایمان چگونه درست زندگی کنیم. پس اگر می‌خواهیم فرزندان عاقل‌تر تصمیم بگیرد، فقط اطلاعات بیشتری به او ندهیم؛ فرصت فکر کردن، تجربه کردن، پرسیدن و دیدن پیامد انتخاب‌ها را هم به او بدهیم. حکمت فقط با خواندن به دست نمی‌آید؛ بخشی از آن با مکث کردن، تجربه کردن و درست دیدن ساخته می‌شود.

احکام

خوردن نذری شبهه دار جایز است؟

سمانه رضوانی| یکی از جلوه‌های زیبای فرهنگ شیعی، سنت پرفریض نذری دادن در ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا^(ع) است. با این حال، گاه دغدغه‌ای شرعی برای شرکت‌کنندگان در این سفره‌ها پیش می‌آید که از کجا بدانیم درآمد نذری دهنده حلال است؟ آیا صرف احتمال یا گمان به حرام بودن، می‌تواند مانع از خوردن این غذا شود؟

در پاسخ، باید به صراحت گفت که فقهای عظام در این مسئله، قاعده‌ای روشن و آسان‌گیر دارند. مبنای مشترک در فتاوای معظم‌له این است که «یقین به حرام بودن منبع درآمد، شرط حرمت خوردن از نذری است و نه صرف شک، سوء ظن یا احتمال. از آنجا که در جامعه اسلامی، اصل بر طهارت و حلال بودن مال مسلمانان است، مومن نباید با گمان‌های بی‌اساس، خود را از برکات این مجالس محروم کند، مگر آنکه به طور قطع بداند مالی در تهیه نذری به کار رفته که از راه حرام به دست آمده است. با این توضیح، به نقل فتاوی‌ای از تن از مراجع بزرگوار می‌پردازیم:

شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای: اگر یقین به حرام بودن منبع نذری وجود نداشته باشد، استفاده از آن اشکالی ندارد.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: غذای شبهه‌ناک به غذایی گفته می‌شود که احتمال نامشروع بودن آن وجود داشته باشد. استفاده از چنین غذایی شرعاً حرام نیست، ولی آثار طبیعی خود را می‌گذارد؛ مثل اموال کسی که احتمال قوی می‌دهیم آلوده به ریاست. با تأمل در فتوای این دو مرجع، به روشنی می‌فهمیم که موضوع اصلی در جواز خوردن از نذری‌ها، علم و یقین به حرام بودن منبع است و نه «ظن» یا «احتمال».

بنابراین، متدبیین نه تنها می‌توانند با خیالی آسوده از نذری‌هایی که منبع مطمئنی دارند بخورند، بلکه حتی نذری که نسبت به آن شک و شبهه دارند تا وقتی که یقین به خلاف آن ندارند، جایز است از آن بخورند.



با شادی، محبوب خدا می‌شویم

آمته مستقیمی | ماه ربیع الاول که بعد از دو ماه محرم و صفر و عزاداری‌های اهل بیت^(ع) از راه می‌رسد به واسطه اتفاقات مبارکی که در دل خود جای داده، شادی را به همراه می‌آورد. این ماه که مفتخر به سالروز ولادت پیامبر ختمی مرتبت^(ص) و رئیس مکتب تشیع حضرت امام صادق^(ع) و نیز سالروز آغاز امامت و ولایت امام مهدی^(عج) است، فرصت شادی‌های مؤمنانه را بیش از هر زمان فراهم می‌کند. به مناسبت فرارسیدن این ماه، مروری داریم بر نگاه اسلام به شادی و راه درک واقعی آن.

گزارش



شادی حلال، یار زندگی است

آموزه‌های دینی برای شادی حد و دی قائل است و تأکید دارد که مسلمانان نباید دچار افراط و تفریط شوند. برای مثال شادی، نشاط و شوخی کردن با نامحرم را نمی‌پسندد، اما شادی با محارم را اتفاقی مقبول می‌داند. امام رضا^(ع) یا توصیه به شاد بودن، رعایت حریم شادی را لازم دانسته، می‌فرماید: «از لذت‌دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمیّات دل را از راه‌های مشروع برآورید، مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافتنان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید. تفریح و سرگرمی‌های لذت بخش شما را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن بهتر در امور دنیای خویش موفق خواهید شد.» (بحار، ۱۷، صفحه ۲۰۸).

شادی با شادی اهل بیت^(ع)

طبق آموزه‌های تشیع، شیعیان هنگام شادمانی اهل بیت^(ع)، شاد و هنگام حزن و اندوه‌ها، محزون هستند. امیرالمؤمنین امام علی^(ع) فرموده‌اند: «مواقع تفریح و شادمانی فرصت است. افراد عاقل فرصت‌ها را مغتنم می‌شمارند و از آن‌ها به نفع خویشی و سعادت خود استفاده می‌کنند.» (غررالحکم، ص ۱۵۷) این آموزه‌ها همچنین توصیه می‌کنند هنگام رویارویی با افراد، چهره‌ای شاد داشته باشیم و اگر غم و اندوهی هم داریم، آن را در دل نگاه داریم و در چهره بروز ندهیم.

به فضل خدا شاد باشید

آیات قرآن در پاسخ به این نیاز فطری و حیاتی انسان، مؤمنان را به شادی دعوت کرده‌اند، برای مثال در آیه ۵۸ سوره یونس می‌فرماید: «ای رسول خدا! به خلق بگو که شما باید منحصر به فضل و رحمت خداشادمان شوید (و به نزول قرآن مسرور باشید) که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که برای خود اندوخته می‌کنید.» و نیز کمک خدا را مایه شادی مؤمنان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و در آن روز (که رومیان فاتح شدند) مؤمنان شاد می‌شوند به یاری خداوند...» (روم، ۴ و ۵).

اسلام برای شادی برنامه دارد

شادمانی از هیجانات بنیادی انسان است و نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد. شادی، می‌تواند سلامت جسم انسان را هم بهبود ببخشد. افراد شاد احساس امنیت بیشتری دارند. آسان‌تر تصمیم می‌گیرند و روحیه مشارکتی بالاتری دارند. شادمانی همواره با خرسندی، خوش‌بینی، امید و اعتماد همراه است. از آنجا که اسلام کامل‌ترین دین و برنامه زندگی است و برای تمامی ابعاد زندگی انسان برنامه دارد و در تکالیف و توصیه‌ها مصلحت انسان را در نظر می‌گیرد، برای شادی و نشاط او هم برنامه‌های خاصی را پیشنهاد می‌کند که مطابق با فطرت الهی اوست.

شادی را مجوز گناه نکنیم

شادی برای آنکه واقعی و ماندگار باشد و بتواند آثار مد نظر دین را در زندگی انسان ایجاد کند الزاماتی دارد، مثل آنکه نباید به گناه آلوده باشد، شادی توجیه گناه و خطا نیست. امام صادق^(ع) در این باره می‌فرماید: «سزاوار نیست مؤمن در مجلسی بنشیند که در آن معصیت خدا می‌شود و او نمی‌تواند آن را تغییر دهد.» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۶۰) علاوه بر این، نباید و نمی‌توان به سبب شاد بودن دیگران را آزار داد. از امام صادق^(ع) نقل شده که خدای متعال فرمود: «آن‌کس که بنده مؤمن مرا بیازارد، به من اعلان جنگ می‌دهد.» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۴)

یادی که شادی آفرین است

روایات هم درباره شادی و راه‌های درک آن توصیه‌هایی دارند. امیرالمؤمنین امام علی^(ع) می‌فرماید: «شادی مؤمن، به سبب طاعت پروردگارش است و حزنش بر گناه و عصیان است» (غررالحکم و درر الکلم، ح ۵۵۹۴) امام صادق^(ع) هم درباره راه شاد بودن می‌فرماید: «خداوند به داوود پیغمبر وحی فرستاد ای داوود! به وجود من شادی کن و از یاد من لذت ببر و با مناجات من متنعّم باش.» (امالی صدوق، ۱۱۸). یکی از راه‌های عمده شاد زیستن، رضایت به قضا و قدر الهی است. مقصود از رضایت، نداشتن به مقدرات الهی در ظاهر و باطن، به زبان و عمل است. امام علی^(ع) می‌فرماید: «به قضای خداوند خشنود باش تا شاد و راحت زندگی کنی.»

جان در طبق اخلاص؛ تأملی در فضیلت لب‌له‌المبیت

بکشی و جانت را برای محافظت از ایشان سیر گردانی، تو خواسته ایشان را به سرعت اجابت کردی و خودت را برای کشته شدن آماده کردی. پس خداوند متعال، با بیان آیه «وَمِنَ النَّاسِ عَن تُشْرِی نَفْسُهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»، فرمان بری تو را قدر را برای طلب دین می‌بخشد. بر این اساس، اصل «بذل» موضوعیت دارد؛ اینکه انسان جان خویش را صادقانه در معرض خطر قرار دهد و از هیچ تهدیدی نهراسد. مگر نه این است که آن پیرزن مصری در ماجرای فروش یوسف^(ع)، با آنکه می‌دانست توان خرید ندارد، خود را خریدار معرفی کرد و صدق نیت خویش را نشان داد؟ چه مانعی دارد که شخصی بداند جان‌ش در آن ماجرا گفته نخواهد شد. اما باینیتی خالص، جان خود را در معرض فروش بگذارد و آماده جانبازی باشد؟

فضیلتی برخاسته از نیت، نه نتیجه

حقیقت آن است که ارزش عمل آدمی را نیت او می‌سنجد، نه نتیجه‌ای که رقم می‌خورد. امیرمؤمنان^(ع) در آن شب سرنوشت‌ساز، جان عزیز خویش را بی هیچ چشم‌داشتی در طبق اخلاص نهاد و رضایت خداوند را بر امنیت خویش، مقدم داشت. اینکه مشرکان نتوانستند به هدف شوم خود دست یابند و خطری متوجه حضرت نشد، از فضیلت این ایثار نمی‌کاهد، بلکه بر عظمت آن می‌افزاید، زیرا نشان می‌دهد که خداوند چگونه جان جان‌نثار راه حق را پاس می‌دارد و او را برای روزهای دشوارتر نگاه می‌دارد.

آیه نکته‌ای دقیق دارد، او می‌گوید: «خداوند در آیه پیشین حال کسانی را بیان کرد که دین خود را برای طلب دنیا می‌بازند، اما در این آیه از کسانی سخن می‌گوید که دنیا و جان و مال خود را برای طلب دین می‌بخشند.» بر این اساس، اصل «بذل» موضوعیت دارد؛ اینکه انسان جان خویش را صادقانه در معرض خطر قرار دهد و از هیچ تهدیدی نهراسد. مگر نه این است که آن پیرزن مصری در ماجرای فروش یوسف^(ع)، با آنکه می‌دانست توان خرید ندارد، خود را خریدار معرفی کرد و صدق نیت خویش را نشان داد؟ چه مانعی دارد که شخصی بداند جان‌ش در آن ماجرا گفته نخواهد شد. اما باینیتی خالص، جان خود را در معرض فروش بگذارد و آماده جانبازی باشد؟

گواهی امام هادی^(ع) بر عظمت ایثار

امام هادی^(ع) در روز غدیر، خطاب به امیرمؤمنان^(ع) چنین می‌فرماید: «سلام بر تو ای امیرمؤمنین و ای سرور اوصیا... آن‌گاه که پیامبر^(ص) اتورا امر فرمود که شب در بسترش دراز

شده است.» امام باقر^(ع) نیز این حقیقت را تأیید کردند و زمان نزول آیه را همان شبی دانستند که کافران قریش در پی رسول خدا^(ص) بودند و علی^(ع) برای حفظ جان ایشان در بستر حضرت، به پهلوی دراز کشید.

شبهه‌ای در باب ارزش ایثار

برخی افراد این پرسش را مطرح کرده‌اند که اگر امام علی^(ع) از قبل می‌دانست در آن شب به شهادت نمی‌رسد، خوابیدن در بستر پیامبر^(ص) چه فضیلتی دارد؟ این شبهه از آن رو پدید آمده است که ارزش ایثار را فقط در «کشته شدن قطعی» جست‌وجو می‌کنند، حال آنکه معیار فضیلت، «بذل جان» است، نه صرف «کشته شدن». آنچه عمل امیرمؤمنان^(ع) را در لب‌له‌المبیت جاودانه ساخت، نیت خالص و آمادگی کامل برای جان‌فشانی بود؛ آمادگی که هیچ تردیدی در آن راه نداشت.

بذل جان؛ برتر از کشته شدن

فخر رازی، از بزرگان اهل تسنن، در تفسیر این



فصل دوم: فضیلتی برخاسته از نیت، نه نتیجه